

Plastics Industry Magazine

صنایع

۳۱۸

# پلاستیک

ISSN: -0258 - 4905

www.pime.ir

- ماهنامه
- ۱۳۶۴-۱۳۹۴
- ۳۰ سال
- شماره ی هشتم
- ۱۲۰ صفحه
- ۱۵۰۰۰ تومان



• بدترین اقدام در بهترین زمان

• با بزرگان قدیمی صنعت

• هجوم از آغاز

گزارش

با بزرگان قدیمی صنعت

# هر چه می خواهد دل تنگت بگو





سر فصل "هر چه می خواهد دل تنگت بگو" از ابتدای سی امین دوره ماهنامه (شماره ۳۱۱، آذرماه ۱۳۹۳) آغاز شد تا پیوندی باشد میان تجربیات گرانبهای قدیمی ترها با علم و دانش و انگیزه های جوانان حاضر در صنعت. از شماره ۳۱۱ تاکنون با آقایان عبدالمجید صدیقی، مرتضی عرفانی، علی صالحی علاء، حمید صدرزاده، قاسم مفتخری، ولی اله صدیقی، محمد تقی غیائی، مصطفی مرادی و مانوک ابراهیمیان صحبت کرده و در این شماره هم به سراغ یک پیشکسوت قدیمی اما خدای را شکر هنوز فعال یعنی آقای محمد ضرابیها رفته ایم. البته در این راه تلاشهای ما برای گفتگو با برخی از قدیمی های نام آشنا مثل آقای حکمت الله شیخان، کریم پهلوان و... به دلیل مشکلات جسمی این عزیزان تاکنون به جایی نرسیده و کماکان امیدواریم که فرصت از دست نرود.

در این شماره، گزارش ما را از گفتگو با آقای "محمد ضرابیها" می خوانید.

از همکار فعال و هنرمندمان آقای شروین متقیان تهرانی تشکر می کنیم که زحمت تصویر برداری از گفتگوها را تقبل کرده و همه جا با همکاران ماهنامه بوده اند.

تحریریه

آناهیتا علی نیا زیازی

فیزی مورد نیاز آن شرکت را با ابتدایی ترین امکانات ساخت و مورد قبول شرکت واقع شد و متعاقب آن با ساخت سایر قطعات شامل ماکو و ماسوره ادامه داد.

بنابراین زمینه ی کار صنعتی را از آن جا پیدا کردم در آن سال ها ما در محلی از تهران زندگی می کردیم که محل عبور و مرور ماشین های سنگین (تانکرهای نفتی) بود که روی آن نام «ارج» درج شده بود. کنجکاو شدم که بدانم این نام چیست!

در حالیکه تحصیل در رشته ریاضی را به پایان رسانده بودم، پس از دریافت مدرک دیپلم برای کار به شرکت ارج مراجعه کردم. در این راه پی بردم که «ارج» مخفف کلمات «آهنگری، ریخته گری و جوشکاری» است. صاحبان این شرکت معروف ۳ برادر با نام قابلی ارجمند بودند که از ابتدا کارشان را در خیابان قزوین در مغازه ای چند دهه با ساخت در و پنجره و ... و تانکرهای نفتی شروع کرده بودند؛ آنان روزی به مرحله ای از زندگی شغلی شان رسیدند که باید بهترین محصولات ایرانی را تولید می کردند. بنابراین زمانی که به این کارخانه مراجعه کردم، یکی از مسوولان آنجا من را مورد آزمایش قرار داد و با دادن یک میلگرد، سوهان و کولیس از من خواست که آن را به چهار گوش تبدیل کنم.

این کار را در همان سن و سال پایین با دقت انجام دادم و پس از قبولی در این آزمون در آنجا مشغول به کار شدم. پس از این به مدت بیش از ۶ ماه در دوره های طراحی و تهیه نقشه قالب های فلزی در آموزشگاهی با معرفی شرکت ارج آموزش دیدم.

بعد از مدتی کار در این شرکت، به ناچار برای گذراندن خدمت سربازی شرکت را ترک و در سال ۱۳۳۷ که خدمت سربازیم را در دانشگاه افسری تمام کردم، دوباره به شرکت ارج رجوع کردم و در بخش طراحی و تهیه نقشه های قالب که آن زمان برای آب گرمکن و کولر ساخته می شد مشغول به کار شدم.

آقای محمد ضرابیها متولد سال ۱۳۱۵ در شهر قزوین، یکی از تولیدکنندگان قدیمی محصولات پلاستیک است که در حال حاضر در بخش تولید قطعات و مجموعه های پلیمری خودرو فعالیت دارد. ایشان پس از پایان تحصیل، کار خود را به عنوان کارآموز در شرکت تولیدی ارج آغاز کرده و بعد از مدتی فعالیت، آنجا را برای گذراندن دوران خدمت سربازی ترک می کنند.

اما با اتمام این دوران مجدداً به شرکت ارج بازمی گردند. "محمد ضرابیها" به رغم اینکه معتقد بود کار در آن شرکت همچون تحصیل در دانشگاه است، با تجربه و سابقه ای ۱۲ ساله، در سال ۱۳۴۷ استعفا می دهد و فعالیت حرفه ای خود را به صورت مستقل در کارگاهی کوچک واقع در خیابان قزوین با سه دستگاه تزریق پلاستیک فلکه ای و تولید محصولات پلاستیک خانگی ادامه می دهد. همین فعالیت، سرانجام به تاسیس شرکت و احداث کارخانه مهرآریا پلیمر پارس و برند شناخته شده ی «مپ» در سال ۱۳۶۲ می انجامد. آقای ضرابیها اکنون در سن ۷۹ سالگی کماکان فعالیت دارند، اما چند سالی است که مسوولیت اداره کارخانه را به فرزندشان آقای شهروز ضرابیها سپرده اند. ایشان دارای دو فرزند دختر و یک فرزند پسر هستند.

گفتگوی با ایشان، در محل دفتر شرکت و کارخانه "مپ" و در حضور آقای شهروز ضرابیها صورت پذیرفت. آرامش و متانت و سخن گفتن صبورانه آقای محمد ضرابیها یکی از چشمگیرترین حواشی این گفتگو برای ما جوانانی بود که به دنیای پرسرعت و نا آرام این دوران خو گرفته ایم. این گفتگو را با هم می خوانیم.

## آغاز راه از شرکت ارج

بیشتر اوقات نوجوانی ام را پس از ساعات مدرسه در محل کار پدرم می گذراندم، در آن زمان شرکتی به نام سینگر که وارد کننده چرخ های خیاطی و وسایل دوخت و دوز بود در تهران وجود داشت. پدرم



## تبدیل قطعات فلزی «ارج» به پلاستیک

در سال ۱۳۴۰ هنوز به آن صورت که باید تکنولوژی وارد ایران نشده بود. آن زمان یخچالی به نام کلوناتور به ایران وارد می شد و شرکت ارج تصمیم گرفت همزمان با سایر محصولات، یخچال را نیز در ایران بسازد. شرکت ارج رفته رفته در حال توسعه بود و در سال ۱۳۴۴ تولید بخاری را هم شروع کرد. اما فضای این کارخانه که در خیابان شوش واقع شده بود، در آن سال ها برای تولید محصولات جدید به صورت انبوه کم بود؛ براین اساس تصمیم گرفته شد که محل کارخانه وسعت داده شود، پس محل جدیدی با امکانات بیشتر در جاده مخصوص کرج تاسیس نمود و مکان قبلی به محل جدید منتقل شد. علاوه بر محصولاتی که ذکر کردم تولید لباسشویی هم در سال ۱۳۴۵ به تولیدات کارخانه اضافه شد. من در آن زمان مسوول برنامه ریزی دستگاه های تولید بودم، تا آن زمان هنوز قطعات پلاستیکی در یخچال استفاده نمی شد و از آنجایی که آشنایی کاملی از مصرف قطعات داخل یخچال و بخاری داشتیم به نظرم آمد خیلی از قطعات می تواند به پلاستیک تبدیل شود (مانند قطعات بست ها و پایه های اپراتور) که هم ارزانتر و هم سبکتر می شد. این موضوع را به مدیریت شرکت پیشنهاد دادم که مورد قبول واقع شد. به دنبال این جریان برای سفارش تولید قطعات پلاستیک و جلب همکاری با شرکت ارج به کارگاهی در تهرانپارس مراجعه کردم.

## نلنگر

تا سال ۱۳۴۷ همکاری با شرکت ارج ادامه داشت که با خودم فکر کردم که اگر می توانم برای شرکت موثر باشم، چرا برای خودم نباشم و با وجود اینکه موقعیت، حقوق و مزایای خوبی در این شرکت داشتم و به تازگی صاحب فرزندمی شده بودم، تصمیم گرفتم که مستقل و برای خودم کار کنم. پس در پایان سال ۱۳۴۷ استعفا دادم و شرکت هم با نارضایتی آن را قبول کرد. پدرم سخت مخالف این امر بود، اما من تصمیمم را گرفته بودم چون هدفم چیز دیگری بود و نمیخواستم حقوق بگیر باشم. با دست خالی بیرون آمدم. در همین حین مشغول ساخت خانه ی جدیدی بودیم که در آن کابینت هایی با دستگیره های فلزی در حال نصب بود. من با دیدن این موضوع تصمیم گرفتم، دستگیره های پلاستیک را جایگزین نوع فلزی آن کنم و به عنوان اولین کار مستقلم آن را در رنگ های گوناگون تولید کردم. نخستین فعالیت تولیدی مستقلم را هم با تهیه ی مکانی در یک گاراژ، واقع در خیابان قزوین و در ابتدا با خرید دو دستگاه تزریق پلاستیک فلکه ای و همکاری با دو کارگر آغاز کردم. پس از آن، آبچکان بالای ظرفشویی که قبلاً از سیم ساخته شده بود و قلاب برای آویزان کردن فنجان را از پلاستیک تولید کردم. از کار من در بازار بسیار استقبال شد.

**دوران رونق بخشی و پیشرفت: همکاری با شرکت صنعتی جنرال**  
پیگیر کارهای جدید بودم که با آشنایی قبلی به شرکت صنعتی جنرال رجوع کردم. علاقمند بودم که قطعات پلاستیک شرکت ارج را

هم تولید کنم اما به خاطر اینکه به طور ناگهانی از آن جا بیرون آمده بودم نمی توانستم دوباره به آنجا رجوع کنم. در همین حین اولین قطعه تولید سبب زبر پمپ کولر را از شرکت جنرال، سفارش گرفتم. به سرعت قالبش را به قالبسازی سفارش دادم و در ضمن این کار، یک دستگاه دیگر را هم به کارگاهم اضافه کردم. بیش از ۱۲ ساعت در شبانه روز با انگیزه ی دوچندان کار می کردم. یک روز مسوول تدارکات شرکت جنرال با من تماس گرفت و گفت که می خواهد در مورد کار جدید به محل کارم بیاید و با من کار ضروری دارد و من هم چون نمی خواستم محل کارم را در آن شرایط ببینند، خودم سریع نزد او رفتم. به من گفت که این شرکت پمپ های آب کولر را همیشه به صورت مجموعه همراه با پایه های پلاستیکی آن از ایتالیا وارد می کرد، اما در این محموله جدید، پایه پلاستیکی ارسال نشده و درخواست مجدد آن از ایتالیا نیز مقرون به صرفه نبود، از من تقاضا شد در صورت امکان قطعه پلاستیکی را تولید کنم. که من هم قبول کردم و پس از دریافت نمونه اولیه و بررسی آن، به یکی از قالبسازیانی که می شناختم سفارش ساخت قالب را دادم و ظرف ۳۰ روز نمونه های اولیه را به شرکت جنرال تحویل دادم که با تایید آن شرکت مورد تشویق قرار گرفتم و وارد بحث تولید انبوه قطعه مذکور شدیم. آن زمان جنرال به کسانی که با آن ها کار می کردند وجه قرارداد را نقد پرداخت نمی کرد و به صورت سفته سه ماهه می داد اما با ساخت به موقع و تحویل آن با من قرارداد بست و دستمزد را پس از تحویل قطعات به صورت نقد پرداخت کرد. برای بسته بندی قطعاتی که تولید کرده بودم به نیروی بیشتری نیاز بود، که برای این هم از جوانان فامیل کمک گرفتم. کارم که رونق گرفت، فضای محل کار کوچک بود و باید آن را توسعه می دادم. کارگاهم را در حدود سال ۱۳۵۳ به جاده مخصوص و با سه دهنه مغازه ( تقریباً مقابل شرکت ارج ) منتقل کردم.

## آغاز فعالیت کارگاه پمپ همزمان با همکاری مجدد با شرکت «ارج»

مدتی با یکی از دوستانم به نام آقای مسعود بنانی که کارگاه نسبتاً بزرگی داشت، همکاری داشتم به این صورت که تولید قطعاتی را که در ظرفیت دستگاهم نبود به او می دادم و به نام خودم به شرکت جنرال ارایه می کردم و همزمان دو دستگاه تزریق پلاستیک نیمه اتومات علاوه بر دستگاه های فلکه ای که داشتم، خریداری و به محل جدید اضافه کردم. این دستگاه ها را ماشین سازی ابتکار می ساخت. در این مقطع بود که برای گرفتن سفارش به شرکت ارج رجوع کردم اما در آن زمان مسوول تدارکات این شرکت تمایلی به همکاری با من نداشت، پس از مراجعات مکرر، روزی مسوول تدارکات قطعاتی را که تصور می کرد ساخت آنها برای من مقدور نیست، برای ساخت سفارش داد. این قطعات مربوط به پایه های نگهدارنده اپراتور یخچال بود که من آشنایی کامل با آنها داشتم. ساخت قالب به صورت کشویی و به وسیله یک پیچ در آن تزریق می شد. قالب پر هزینه بود و زمان ساخت بسیار طولانی. با این حال قبول کردم و از آنها



هم سفارش گرفتیم. تنوع کارهایمان خصوصاً در بخش ظروف دارویی زیاد شده بود. بعدها چاپ روی ظروف بسته بندی قرص های جوشان ویتامین ث و ظروف بسته بندی کرم های بهداشتی شرکت گل پسند که با روش سیلک اسکرین انجام می شود به مجموعه کار اضافه می شد.

### ثبت شرکت مهر آریا پلیمر پارس (مَسپ) و تولید قطعات خودرو

در سال ۱۳۶۰ احساس کردم که باز هم باید محل کارم را وسعت دهم که به محل کارخانه فعلی که نزدیک ۲۰۰۰ متر، در جاده مخصوص کرج به صورت زمین بایر بود خریداری و ساخت سالن آن را شروع کردم و در سال ۶۲ کارگاه را به طور کامل به محل فعلی منتقل کردم. دو دستگاه جدیدتر از شرکت تامپسون تهیه کردم. روزی یکی از دوستانم به نام آقای مهندس کشاورز که در شرکت ارج با ایشان آشنا شده بودم و بعدها

مسوول خودکفایی شرکت ایران خودرو شدند با من تماس گرفت و پرسید که آیا می توانم قطعات پلاستیکی خودرو پیکان را بسازم؟ آن زمان اغلب قطعات از انگلیس وارد می شد. در این زمان که خودکفایی ایران خودرو شروع شده بود سازندگان زیادی برای تولید قطعات به ایران خودرو مراجعه می کردند، من هم جزو یکی از آن واحدها بودم. پس به شرکت ایران خودرو رفتم و تعدادی از قطعات نمونه را که عرضه کرده بودند نگاه کردم و تعدادی از آن ها را برای تولید انتخاب کردم؛ ابتدا قفل در پیکان، و روکش آنها و خار رودری آن را ساختم، در همین فاصله قطعاتی مانده بود که کسی برای ساخت آنها رجوع نکرده بود و آن هواکش های داشبورد پیکان مجموعه ای کاملی از قطعات منفصله بود که پس از ساخت آنها، قطعات تزئینی داشبورد خودروی پیکان را نیز به تولید رساندم. آن زمان در کارخانه مان آزمایشگاه و بخش کنترل کیفیت نداشتیم و خود آن ها تست می کردند که معمولاً قطعات ما مورد تاییدشان بود. در سال ۱۳۷۲ با افزایش

سفارشات آقای مهندس ویسه که آن زمان مدیریت بخش خودکفایی ایران خودرو را داشتند، ابراز تمایل به بازدید از شرکت مَسپ نشان داده و طی مراسمی ایشان از این شرکت بازدید نموده و مفتخر به دریافت لوح تقدیر از ایشان شدم. ما کارمان را با قطعات سنگین تر و حجم بیشتر سفارشات ادامه دادیم. از سال ۱۳۷۴ احساس کردم که اکنون این شرکت به نیروی جوانتری نیاز دارد و شخصی جز پسرم شهروز نبود که واقعاً با درایت و مدیریت عالی از عهده این کار برآمده و باعث گردید که موفقیت های جدید این شرکت بیشتر شود و من همیشه به وجود او افتخار می کنم.

در سال ۸۳ به دلیل نیاز به توسعه کارخانه دوم در مجاورت کارخانه فعلی

خواستیم که قرارداد ببندیم ولی ایشان اظهار داشتند که پس از ساخت قطعه و تایید آن قرارداد بسته خواهد شد. پس از گرفتن نمونه های اولیه از قالبساز خواستم تا قالب را از سرب خشک تهیه کند چرا که سریعتر از قالب فولادی و با هزینه کمتر آماده می شد. پس از ساخت قالب، دو عدد نمونه را طی ده روز ساخته و به کارخانه ارج بردم، مسوول تدرکات ارج با ناباوری قطعات را مورد بررسی و آزمایش قرار داد که پس از کسب تاییدیه موافقت شد سایر قطعات نیز جهت ساخت به اینجانب داده شود و این گونه همکاری من با شرکت ارج بیشتر گردید.

\*\*\*\*\*

### آلبوم پلاستیک ها

آقای ضرابیها در حین صحبت هایشان آلبوم تصاویر محصولاتشان را هم نشان می دادند و برایمان ورق می زدند. در میان این تصاویر، تصویر قطعه ای به نام پایه ی اپراتور (تبخیرکننده) را هم به ما نشان دادند، یعنی همان قطعه ای که شرکت ارج به ایشان سفارش داده و ساخت آن از بقیه قطعات مشکل تر بود؛ بخشی از این محصول با قالبی متحرک ساخته می شد و به تعبیه کردن پیچ در این قطعه هم به عنوان یکی دیگر از سختی های تولید آن اشاره شد. تصویر لوازم تحریر پلاستیک هم داخل این آلبوم قابل رویت بود که به گفته ی ایشان این محصولات در آن زمان به کشور وارد می شده اما آقای ضرابیها تصمیم گرفته بودند آن ها را خودشان در ایران تولید کنند.

\*\*\*\*\*

### همکاری با دارو پخش و گلپسند

آقای ضرابیها ادامه دادند:

برای توسعه ی کارم یک دستگاه تزریق فول اتومات را از شرکت تامپسون خریدم که مدیرش آقای احمد رامین کیا دوست من بود افسوس که ایشان الان در قید حیات نیست. جالب است بدانید که شرکت تامپسون پس از کسب تجربه و بازدید از یک شرکت ایتالیایی به نام پلاستی ماکس که اقدامی موثر برای کشورمان بود، شکل گرفت (اما با کمال تاسف الان باید عرض کنم که شرکت هایی که در ایران می توانند بهترین تولید کننده ی ماشین آلات باشند، واردکننده شده اند). به تدریج تعداد نیروهایم به ۱۲ کارگر افزایش یافت. پس از این از شرکت دارو پخش که در طول سال های ۵۶-۱۳۵۵ محصولات خود را در ظرف های پلاستیک، قاشق های شربت دارویی و لوله های اپلیکاتور ارایه می کرد





در مورد فعالیت در تشکل‌ها نیز گفتند: من بیشتر علاقمند به فعالیت تولیدی بودم و در انجمن‌ها فعالیت چندانی نکردم و البته وقتش را هم نداشتم. اما اکنون پسر من عضو هیات مدیره انجمن صنایع همگن پلاستیک است. آقای ضرابیها همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا نیروی کاری که از شرکتشان رفته و برای خود کار مستقل تشکیل داده باشند را طی طول عمر کاریشان داشته‌اند؟ گفتند: یاد نمی‌آید شخصی از نیروهای کاری من در زمینه پلاستیک کار مستقل تشکیل داده باشند یا جزو رقبای من شده باشد، هر چند که اگر این موضوع رخ می‌داد من استقبال هم می‌کردم ولی برخی از آنها رفته و در حوزه‌های دیگر فعالیت می‌کنند. گفتگوی ما که به پایان نزدیک شد، آقای ضرابیها با اشاره به کارخانه‌های اطراف کارخانه خودشان که از پنجره‌ی دفتر کار ایشان مشخص بود، از وجود تعدادی واحدهای صنعتی که به دلیل عدم توانایی در پرداخت وام‌های بانکی شان و یا بدلیل شرایط نامساعد تولید تعطیل شده‌اند، ابراز تاسف کرد. پس از شنیدن گفته‌های آقای ضرابیها، از ایشان خواستیم که اگر انتقادی از مدیر ماهنامه و یا انتقاد و پیشنهادی درباره ماهنامه صنایع پلاستیک

دارند، بفرمایند و ایشان گفتند: مطالب و مقالات ارایه شده مورد علاقه اینجانب است و کاملاً مطالعه می‌کنم. مجله به موقع می‌رسد و مطالب جالبی دارد. در پایان این گفتگو هم برای بازدید از بخش‌های مختلف کارخانه راهی شدیم و حس عشق به کار و نیروی محبت در این مجموعه را در کنار صدای خوش صنعت که از ماشین‌های در حال کار بر می‌خاست، لمس کردیم.



#### توضیح ماهنامه:

\* سینگر: یکی از سازندگان پر شهرت ماشین‌های دوخت و از جمله چرخ خیاطی بود که ساختمان آن در ابتدای خیابان سعدی جنوبی برای بسیاری از بانوان تهرانی که به خیاطی علاقمند بودند کاملاً نام آشنا بود. \* کارخانه تامپسون توسط مرحوم "احمد رامین کیا" بنیان نهاده شد و برای چندین سال، در نوع خود از بهترین ماشین‌های تزریقی ۱۸۰ و ۲۵۰ گرمی را تولید می‌کرد. اتفاقاً نخستین ماشینی هم که مدیر ماهنامه برای کارخانه اش (پانه پلاستیک که توسط داماد یکی از پیشکسوت‌های این صنعت به تاراج رفت) خریداری کرده، همین ماشین بوده است. مرحوم رامین کیا که به همراه برادرش این مجموعه نوین ماشین‌سازی را اداره می‌کرد، در برابر فشارهای بی‌امان آغاز انقلاب بر هر کسی که نامش سرمایه دار بود، تاب نیاورد، دچار بیماری شدید قلبی شد و دار فانی را وداع گفت. (نقل از توضیحات شفاهی مهندس ساعت‌نیا)

به مساحت ۲۰۰۰ مترمربع به مجموعه اضافه گردید و در اصل ظرفیت تولید به بیش از ۲ برابر افزایش یافت. از سازندگان گرید A شرکت ساپکو هستیم. به مرور با افزایش تیراژ قطعات جدید خودروهایی پژو ۴۰۵، ۲۰۶، سمند و غیره تولید دیگر محصولات کنار رفت. امتیاز ما این است که قطعات مان مستقیم مورد مصرف خط تولید خودروساز می‌باشد.

"در حال حاضر با داشتن حدود ۱۷۵ نفر همکار مشغول تولید قطعات و مجموعه متعددی از خودروهای داخلی هستیم. این شرکت مجهز به آزمایشگاه مورد تایید شرکت ایتراک و واحد متد شرکت ساپکو می‌باشد که به عنوان آزمایشگاه مرجع به ارایه خدمات به سایر شرکتهای مشغول است.

به غیر از سال ۹۱ که تحریم‌ها بیشتر شد، ۸ سالی است که سه شیفت کار می‌کنیم. زمانی که مشکلات تحریم هم وجود داشت ما سعی کردیم با پروژه‌های جایگزین شاخص هایمان را حفظ کنیم." ما عضو انجمن‌های متعددی از قبیل: انجمن همگن پلاستیک تهران، انجمن سازندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو و همچنین انجمن ملی پلاستیک ایران هستیم.

\*\*\*\*\*

#### راه اندازی واحد شماره ۳ شرکت مهر آریا پلیمر پارس (مپ)

ایشان همچنین از طرح توسعه این شرکت هم خبر داد و گفت: به زودی فاز اول طرح توسعه شرکت به عنوان واحد سوم کارخانه در شهرک صنعتی شمس آباد راه اندازی می‌شود. واحد یاد شده در

زمینی به مساحت قریب یک و نیم هکتار احداث و تاکنون ساخت و تجهیز سالن تولید با ۲۵۰۰ متر فضای سرپوشیده انجام شده است. در اصل طرح شامل ۳ سالن ۲۵۰۰ متری خواهد بود که یکی از آن‌ها احداث شده است.

\*\*\*\*\*

در این گفتگو همچنین از آقای محمد ضرابیها خواستیم که از هم دورانی‌های خود نیز نام ببرند و ایشان از دوستان و همکاران قدیمی در شرکت ارج آقایان احمد رامین کیا، ناصر گودرزی و شکری را یادآور شدند که سالها در شرکت ارج همکار بوده و بعدها با تاسیس شرکت اکیپ در صنعت پلاستیک فعالیت نمودند. آقایان مسعود بنانی، پوریوسفی و مرصعی نیز از دوستان و همکاران بسیار قدیمی ایشان در صنعت پلاستیک می‌باشند.